

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۱۷ جنوری ۲۰۱۰

به کهنه خود بساز که نو دیگران گران است

وجوه تمایز و تفارق دری افغانستان و فارسی ایران

(بخش هفدهم)

اندر سره بودن دری افغانستان

مقاله ای را که زیر عنوان "اندر سره بودن دری افغانستان - رهیابی تغییرات ناخوشایند در فارسی ایران" به تاریخ ۲۳ جنوری ۲۰۰۸ در پورتال "افغان جرمن آنلاین" نشر کرده بودم، با آرایشی جدید و با الحاق اضافات لازم و توضیحی، بحیث قسمت هفدهم این سلسله تقدیم خوانندگان ارجمند پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" میکنم.

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۲۳ جنوری ۲۰۰۸

اندر سره بودن دری افغانستان

رهیابی تغییرات ناخوشایند در فارسی ایران

خاکه و سیاهه این مقاله بتاريخ ۱۲ جولای ۲۰۰۷ درج کمپیوتر گردیده و نسبت تراکم موضوعات مهمتر از نظر غائب مانده بود. اینک با کشف دوباره اش، آن را تکمیل کرده و خدمت دوستداران زبان دری - و آنانی که به سلامت زبان خود می اندیشند و به آن ارزش قائلند - تقدیم میکنم:

در مقاله "سرگی و دیرپائی لغات و اصطلاحات در زبان عامیانه دری" (۱)، سره بودن دری افغانستان از رهگذر لغات و کلمات بررسی گردیده و طی مثالهای فراوان، ارجحیت و رجحانش بر "فارسی ایران" نشان داده شد. اینک موضوع را از دید دستوری (صرفی و نحوی) از نظر میگذرانیم. مد نظرم در این نوشته در درجه اول، زبان به اصطلاح "معیاری" و "زبان مکتوب" فارسی ایران است.

نکات مد نظر را ماده وار بررسی می نمایم:

۱- استعمال نادرست "را"ی مفعول بی واسطه (مفعول صریح)

ترتیب استعمال "را" به حیث علامت "مفعول صریح" یا "مفعول بی واسطه"، طوریکست که "را" مستقیماً پس از "مفعول" می نشیند. چنان که می گوئیم: «نامه ات را گرفتم»، «وطن خود را باید از دل و جان دوست داشت.»

« محمود دگری باید، تا بتها و معبودان کذائی را بشکند. در مثالهای بالا، حرف "را" مستقیماً پس از "نامه ات"، "وطن خود" و "بتها و معبودان کذائی" آمده است. در جملاتی که از دو جزء اصلی و فرعی تشکیل گردیده اند، نیز عین قاعده مراعات میگردد. مثلاً «نامه ای را که میخواستی بدوستت فرستادم.» یا «فجایع بر مردم را از هر که سرزند، باید مورد بازپرس قرار داد.» در فارسی ایران این دو جمله را بدین صورت می نویسند: «نامه ای که میخواستی را بدوستت فرستادم.» و «فجایع بر مردم به دست هر که رخ دهد را، باید مورد بازپرس قرار داد.»

طوری که در دو جمله فوق آمد، در فارسی ایران در حالت "جملات مرکب" این قاعده را مراعات نمیکنند. به این جمله رادیو بی بی سی توجه کنید:

«سفير آمریکا در کابل روز گذشته، بار دیگر اتهام علیه ایران مبنی بر کمک تسلیحاتی به طالبان را تکرار کرد.» در این جمله "اتهام علیه ایران" مفعول صریح است و باید "را" مستقیماً و بلافاصله بعد از آن آورده میشد. هیئت صحیح این جمله قرار ذیل است:

«سفير آمریکا در کابل روز گذشته، بار دیگر اتهام علیه ایران را مبنی بر کمک تسلیحاتی به طالبان، تکرار کرد.»

و یا به این جمله سایت "کابل پرس" نظر اندازید:

«من نگاهی به مقالات منتشر شده انداختم و آنچه به ذهنم می رسد را برایتان می نویسم.» در این جمله موقعیت "را" به تقلید از "فارسی ایران" غلط انتخاب گردیده است. صورت درست این جمله اینطور است:

«من نگاهی به مقالات منتشر شده انداختم و آنچه را به ذهنم می رسد، برایتان می نویسم.»

شخصی در نظرخواهی سایت "کابل پرس" به تاریخ ۱۵ جنوری ۲۰۰۸ نوشت:

«فرید جان خواننده ی خوب. سه عکس را تبدیل به پنج عکس کردم تا آنچه نیافتید را بیابید.»

این جمله باید اینطور تصحیح شود:

«فرید جان خواننده ی خوب. سه عکس را تبدیل به پنج عکس کردم تا آنچه را نیافتید، بیابید.»

در مقاله یک دانشمند بزرگ و سرشناس ایرانی که در پورتال "افغان جرمن آنلاین" نیز اقتباس گردیده است، چنین آمده:

«یهودیان که سرمایه گذاری کلان خود برای استقرار کوروش را در خطر میدیدند، ...»

این جمله باید بدین صورت تصحیح گردد:

«یهودیان که سرمایه گذاری کلان خود را برای استقرار کوروش در خطر میدیدند، ...»

بعض افغانان که هم بر شیوه دری خود پایبند اند و از طرفی دل ایرانیان را نیز نمیخواهند بشکنند، دو عدد "را" را در چنین حالات در جمله جای میدهند. توجه کنید به این جمله سایت "کابل پرس":

«اسناد سوء استفاده و اختلاس از اموال مردم گرسنه افغانستان را توسط هر شخص و در هر مقامی که باشد را نشر خواهم کرد.»

در این جمله "را"ی اول درست و به رقم مروج دری افغانستان و "را"ی دوم نادرست و به حساب فارسی ایران گنجانیده شده است.

وقتی که سالیان پیش جریده "امید" را میخواندم، تعدادی از نویسندگان از همین شیوه نادرست پیروی میکردند. من ضمن یکی از بخشهای "از امید به امید" در زمینه تبصره ای کرده بودم و چون بطور غیرمستقیم بنام مبارک پوهاند صاحب "عبدالله سمندر غوریانی" اشارتی رفته بودم، مقاله از نشر باز ماند.

بخاطر روشن شدن بهتر موضوع و نشان دادن ابتدالی که درین زمینه در فارسی ایران رونما گردیده است، از خود منابع مکتوب ایرانی نیز، استشهاد میکنم:

کتاب "فارسی عمومی برای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی" چنین می آورد:

«به جمله زیر توجه کنید:

"وزیر آموزش و پرورش دانش آموزانی که در المپیای فیزیک موفق شده بودند را با اهدای جوایزی مورد تشویق قرار داد."

۱ - در جمله بالا حرف "را" علامت مفعول صریح است و باید بلافاصله پس از مفعول یعنی کلمه "دانش آموزانی" و بدین ترتیب بیاید:

«وزیر آموزش و پرورش دانش آموزانی را که ...»

۲ - به جای عبارت طولانی "مورد تشویق قرار داد" می توان نوشت: "تشویق کرد." (۲)

۲ - استعمال مصدر "داشتن" در زمان "حال" و "ماضی" جاری یا استمراری :

مثلاً "دارم میخورم" ، "داشت خانه میرفت" و غیره که بر اثر ترجمه باللفظ از زبان فرانسوی وارد فارسی ایران گردیده و قطعاً با مزاج و طبیعت زبان فارسی درمی سازگار نیست. این شیوه نادرست ، درست زمانی در زبان ادبی فارسی ایران شیوع یافت که مترجمان ایرانی دست به ترجمه از منابع فرانسوی زده و جملات را عیناً به سیاق جمله بندی زبان فرانسوی آراستند و هیئات نمی دانستند که این بدعت قبیحه روزی پا از زبان نویسندگان و فرهنگیان و مطبوعاتیان فراتر نهاده و در پهنه زبان عامه مردم ایران ، دامن پهن میکند. این شیوه بیان حال و ماضی استمراری که در زبان انگلیسی Present / Past Continuous یا Present / Past Progressive نامیده میشود، در زبان دری به شیوه های دیگر افاده میگردد. مثلاً "میخورد / میخورد ؛ میکند/ میکرد" و در حالت تأکیدی "خورده میرود / خورده میرفت ؛ کرده میرود / کرده میرفت". در زبان عوام دری صیغه حال این زمانه به شکل "خورده راهیست ؛ کرده راهیست" بیان میگردد. آنچه در زبان فارسی ایران رائج گردیده - خواه درست و یا نادرست - مربوط فارسی ایران است که مبارک خود ایرانیان باد. ما را که زبان دری را پاسداری میکنم و میکوشیم که این زبان - که در بین ما سره و اصیل مانده است - کماکان نیالوده از کژی و انحراف بماند ، نباید از شیوه نادرست و فارسی ایران در این زمینه پیروی بکنیم. و هی و هیئات که حتی بعض دانشمندان ما نیز این روش نادرست را - آگاهانه و یا ناخودآگاه - طوطی وار، نه تنها در تحریر ، که حتی در تقریر نیز ، از زبان فارسی ایران تقلید میکنند.

۳ - تلفظ حرف اضافه "به" بشکل Ba در دری افغانستان و بصورت Be در فارسی ایران :

این کلمه در اصل خود همان طوری بوده که امروز در دری ما رائج است ، یعنی با "بای مفتوح". در فارسی ایران این حرف را با "بای مکسور" تلفظ میکنند. استاد نامدار پوهنتون تهران ، مرحوم داکتر پرویز ناتل خانلری در صفحات ۳۴۴ و ۳۴۵ جلد سوم "تاریخ زبان فارسی" خود در شرح "به" چنین گوید :

« ... در پازند غالباً صورت pa دارد. در فارسی میانه طرفانی هم به صورت pad وجود دارد.

در فارسی دری در چند کلمه مرکب که این جزء در مقام پیشوند قرار داشته به صورت - pa باقی مانده است. مانند پدید ، پدیدار ، پدرود ، پنداشتن ، پنهان....

در کلماتی که آغاز آنها همزه است، صامت آخر این جزء ، یعنی حرف دال برجای مانده است که در چند کلمه هنوز به همین صورت در زبان نوشتن به کار میرود : بدو ، بدیشان ، بدان ، بدین » (۳)
(بدو = به او ، بدین = به این ، بدان = به آن ، بدیشان = به ایشان)
مثالها در تأیید این نکته در شعر قدیم و جدید :

بدو گفتم که مشکی یا عبیری که از بوی دلایز تو مستم (سعدی)

بدین تمکین که ساقی باده در پیمانه میریزد رسد تا دور ما دیوار این میخانه میریزد (عشقری)

و مثال های بی شمار که از زبان مکتوب میتوان آورد : بدین صورت (به این صورت) ، بدان سان (به آن سان) ، بدان گونه (به آن گونه) ،

۴ - "های غیر ملفوظ"

"های غیر ملفوظ" در دری ما معرف و بیانگر "فتحه" حرف ماقبل خود است، در حالی که در فارسی ایران این حرکت "کسره" گردیده است. مثلاً کلمات "نویسنده ، نماینده ، زنده ، بنده ، جامه ، خامه ، جانانه ، آدینه ، نوشته ، گذشته ، شسته و غیره" در دری افغانستان به "دال و میم و نون و تایی مفتوح" تلفظ میگردد، در حالی که ایرانیان آن را "مکسور" اداء مینمایند.

مرحوم داکتر خانلری در "تاریخ زبان فارسی" چنین گوید :

« مصوت a (= فتحه یا زیر در فارسی دری) در آغاز و میان کلمه غالباً تغییری نپذیرفته و عیناً بجا مانده ...

هرگاه این مصوت در پایان کلمه قرار داشته باشد یا پس از افتادن صامت آخر در پایان قرار گرفته در تلفظ امروزی بعض از نقاط ایران همان کیفیت اصلی را نگه داشته اما در نقاط دیگر و در تلفظ رسمی امروز به کسره (e) بدل شده است - تأکید از معروفی.

در رسم خط فارسی این مصوت پایانی به صورت (ه) یا (ه) نوشته میشود و آن را "هائ بیان حرکت" یا "هائ غیر ملفوظ" می خوانند. «(۴)

استاد خانلری در صفحات ۹۲ و ۹۳ جلد سوم همین کتاب چنین آرد :

« کلماتی که در دوره فارسی میانه به پسوند "یگ" ig و "اگ" ag ختم می شده در دوره فارسی دری بنا بر قاعده عام ، صامت آخر آنها افتاده و مصوت "زیر" = فتحه بر جای مانده است. اما در جمع به "آن" که صامت مزبور در میان کلمه قرار گرفته مشمول آن قاعده نشده و در نتیجه آن ، صورت مفرد این کلمات مختم به فتحه

(در زبان امروزی = کسره - تنها در فارسی ایران و نه در دری افغانستان و دری تاجیکستان (شرح از معروفی))
مانده (که با های بیان حرکت نوشته میشود) و در صورت جمع آنها به "گن" ختم میشود....

نشانه جمع در این گونه کلمات "گن" است ، و از همینجاست که دستور نویسان ایرانی قاعده ای جعل و وضع کرده اند که به موجب آن «های غیرملفوظ آخر کلمه در جمع به "گف" بدل میشود.» حال آن که "های غیرملفوظ" یا "های بیان حرکت" تنها نشانه مصوت آخر است و "های" در میان نبوده که به "گف" بدل شود....» (ختم نقل قول از خانلری)

در فارسی باصطلاح "معیاری" و در زبان مناطق وسیع سرزمین ایران، این مصوت "کسره" است. البته این تلفظ در بعض نقاط شرقی ایران که همسرحد افغانستان است، به مانند دری ما به شکل اصل و "فتحه" اداء میگردد.

در زبان مکتوب دری بنا بر "ناقابل بودن" رسم الخط موجود آن، بصورت عام نمیتوان از کلام قدا مثالی آورد، که دال بر "تلفظ کلمات" باشد. خوشبختانه که "شعر و نظم دری" در زمینه روزنه ای را باز گذاشته است، که برریت آن میتوان به تلفظ همان وقته کلمات دست یافت - از ناحیه "وزن شعر" بصورت "غیر مستقیم" و از نگاه "قافیه" بصورت "مستقیم"!!!! من از همین "روزنه امید" که "قافیه بندی" نظم و شعر دری باز گذاشته است، استفاده کرده و برای ثبوت مدعای خود مثالهایی می آورم. بدون شک میتوان مثالهای فراوان از "کلام منظوم" دری قدا و متقدمان و الاشان ما آورد، که با کلمات مختوم به "های غیر ملفوظ" قافیه میندند - البته تا جائی که کلمات "عربی" و "دری" بصورت "ملفوظ" در آن بکار رفته باشند - و ضمن آن ثابت ساخت که "های غیرملفوظ" معرف "فتحه" حرف ماقبل خود است. **درینجا در کمال انکسار باید اقرار کنم، که :**

این نکته ایست که این "نویسنده خاکی" خود بدان دست یافته است، نه اینکه از جانی الهام گرفته و یا اقتباس کرده باشد!!!!!!

بر سبیل نمونه بیٹی چند از غزل معروف حضرت حافظ را می آرم :

ساقی حدیث ســـرو و گل و لاله میروود	وین بحث با ثلاثه غساله میروود
می ده که نوعروس چمن حد حسن یافت	کار این زمان ز صنت دلاله میروود
شکر شکن شونـــد همه طوطیان هند	زین قند پارسی که به بنگاله میروود
طی مکان ببین و زمان در سلوک شعر	کاین طفل یکشبه ره یکساله میروود
آن چشم جـــــادوانه عابد فریب بین	کش کاروان سحر ز دنباله میروود
از ره مرو به عشوه دنیا که این عجز	مکـــــاره می نشیند و محتاله میروود
باد بهـــــار می وزد از گلستان شاه	وز ژاله باده در قــــدح لاله میروود

در این ابیات کلمات فارسی "لاله و بنگاله و یکساله و دنباله" با کلمات عربی "غساله و دلاله و محتاله" قافیه بسته شده اند. چون در این سه کلمه عربی حروف ماقبل "های غیرملفوظ" همه مفتوح اند - و قاعده زبان عربی چنین باشد - پس تلفظ درست کلمات "لاله و بنگاله و یکساله و دنباله" همه به فتح حرف ماقبل آخر است ؛ یعنی عین چیزی که در دری افغانستان به مشاهده میرسد و رواج دارد!!!!

در قرنهای پیش و در زمان حافظ شیرازی و اندی پیش از او، که "زبان دری" تازه در سرزمین "فارس" آمده و رونق گرفته بود، فارسیان آن روز - پیش کسوتان ایرانیان امروزی - نیز حرف ماقبل "های غیرملفوظ" را **مفتوح** اداء میکردند و مثالها از کلام حافظ شیرین زبان، شاهد خوبی در زمینه توانند بود.

۵ - استعمال "حرف" زائد "به" پیش روی صفت "دور" :

مثلاً "از حقیقت به دور است" و یا "کلامش را باید ساده و به دور از تعقید دانست." و "بیان مشرح جزئیات از حوصله این نامه به دور است". در کتاب "فارسی عمومی" اثر داکتر ابراهیم قیصری و داکتر محمد دهقانی - در شرح "سبک خراسانی" چنین آمده :

« سبک خراسانی کهن ترین سبک شاعری و نویسندگی زبان فارسی است. در این سبک توصیفات و تشبیهات ساده و به دور از پیچیدگی و ابهام است...» (۵).

استاد شجاع الدین شفا در صفحه ۶۴ کتاب "تولد دیگر" گوید :

« ... "آمیست" های افریقائی و استرالیائی و بومیان جزائر اوقیانوس آرام و نظائر آنهاست که اصولاً دیدگاهی مذهبی به مفهوم سنتی آن ندارند، و از بنیادگرانیها و پرخاشجویی های مذهبی نیز بدور اند.»

در تمام مثالهای بالا کلمه "به" کاملاً زائد و بیهوده است، چون این جملات بدون کلمه "به" هم به تمام معنی مفهوم را اداء کرده میتوانند.

اگر این طرز بیان درست باشد، باید با تعویض "دور" با کلمه "بعید" که "معادل عربی" آن است نیز استعمال شده بتواند. اگر در جملات بالا بجای "دور" کلمه "بعید" را بگذاریم، خواهیم داشت :

« از حقیقت به بعید است. » ، « کلامش را باید ساده و به بعید از تعقید دانست. » ، « بیان مشرح جزئیات از حوصله این نامه به بعید است. » و «... در این سبک توصیفات و تشبیهات ساده و به بعید از پیچیدگی و ابهام است. » اما هیچ دری زبان و فارسی زبان باسوادى را نخواهیم یافت که بر جملات اخیر صحنه بگذارد. از طرف دیگر اگر **"به دور"** درست باشد ، ترکیب مقابلش **"به نزدیک"** هم باید درست باشد ، که هرگز چنین نیست!!!!!!
یک مثال آخرین هم در زمینه میزنم. در مقاله ای که اخیراً در پورتال "افغان جرمن آنلاین" نشر گردید، چنین میخوانیم :

« زیرا مسأله بنیاد گرائی اسلامی و تروریسم چنان بسط و گسترش یافته که به یک مشکل جهانی مبدل شده و رشد روز افزون آن باعث ترس و نا آرامی همه مردم جهان گردیده و چاره پایان دادن به این خشونت و هراس افگنی از توان یکی دو کشوری کاملاً به دور است. »
درینجا نیز حرف اضافه **"به"** کاملاً بیهوده آورده شده است.

۶ - استعمال حرف زائد "های غیرملفوظ" در بعض موارد :

در فارسی ایران در بعض موارد کاملاً غیرضروری، "های غیرملفوظ" را در آخر بعض کلمات می آورند؛ مثلاً :
- "امروزه" بسا کارهای ناممکن ممکن گردیده. درینجا اگر بجای "امروزه" کلمه **"امروز"** را به کار ببریم، معنای جمله بکلی کامل گردیده و هیچ خلأی در مفهوم عبارت رخ نمیدهد. چون "امروز" خود "قید" است و احتیاجی دیده نمیشود که "های قید ساز" و "صفت ساز" در عقبش، گذاشته شود.
در صفحه ۵۳۷ کتاب معروف آقای شجاع الدین شفا زیر عنوان "تولد دیگر" میخوانیم :
« ... و درست به همین دلیل این سیر تحول اقتضا میکند که **امروزه** در انطباق با شرایط فکری بشریت در آغاز هزاره سوم و در تطبیق با دستاوردهای جهان دانش، اندیشه مذهبی نیز پا به مرحله تازه ای از تکامل خود بگذارد....».

در این جمله اگر بجای **"امروزه"** ، **"امروز"** گذاشته شود، هیچ نقصی بر جمله وارد نمیگردد. پس **"ه"** در اینجا کاملاً "زائد" است و "ضرورت وجودی" ندارد. از طرف دیگر "های غیر ملفوظ" به مانند "ی" از بعض کلمات "قید" و "صفت" میسازد. چنانکه میگوئیم **"کار امروزه"** یا **"کار امروزی"** که هردو عین معنی را افاده مینماید ، چون هر دو با "کار"ی سر و کار میگیرند که به **"امروز"** تعلق دارد.

کلمه **"امروز"** در دو مفهوم بکار برده میشود. یکی در معنای روزی که بین "دیروز" و "فردا" قرار دارد و دیگر به مفهوم "در روزگار ما" ، "در همین زمان" ، "در زمانی که زندگانی میکنیم" و غیره. و این ترتیب استعمال احتمالاً در تمام زبانها مروج است؛ هم در زبانهای اروپائی و فرنگی و هم حتی در لسان عربی. وقتی در قرآن کریم میخوانیم "الیوم اکملت لکم دینکم" (امروز دین شما را برایتان کامل گردانیدیم) ، "الیوم" (امروز) در آن در همین مفهوم دومی، بکار رفته است.

- "نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر" نام کتابی از علامه مرحوم مرتضی مطهری است. درینجا نیز **"ه"** کاملاً اضافی است، چون اگر در عوض **"صد سال اخیر"** بگوئیم، مفهوم به تمام معنی افاده میگردد.

۷- استعمال کسره بیجای اصافت در هنگام سخن گفتن :

مثلاً در ترکیباتی ازین قبیل : "این نکته مربوط به من نمیشود" ، "در ارتباط به مسائل امنیت" ، "در پیوند با جمهوری ولایت فقیه" ، "مسائل مربوط به غنی سازی یورانیوم جمهوری اسلامی ایران" و غیره. در این مثالها اگر کسره **"ط"** و **"د"** حذف هم گردد، بر معنای عبارات کوچکترین خدشه ای وارد نمیگردد. پس وجود چنین **"کسره"** کاملاً زائد و اضافی است. این کسره اضافه وقتی جلی تر نمایان میگردد، که کلمه پیش از آن مختوم به **"الف"** باشد و بالضرور این **"کسره"** به **"ی"** تبدیل گردد؛ مثلاً :

نویسنده ای به نام جناب "شمس الحق" مقیم شهر لندن ضمن مناظره ای در پورتال "افغان جرمن آنلاین" نوشت :
« در کنار درسهایی که در مراکز نظامی شورای نظار داده می شد، **جدای** مسایل سیاسی و استراتژیک، حفظ قرآن، تفسیر و فقه بود.»

نویسنده ای دیگر در سایت "کابل پرس" در مقاله "آغازگر جنگ در افغانستان چه کسی است؟" چنین نوشت
« بیائید **جدای** از مسائل قومی و منطقوی قضاوت کنیم نه با احساسات قومی و قبیلهای ».

در هردو مثال **"ی"** بعد از **"جدا"** اضافی و کاملاً ناخوش آیند و در حد **"لهو"** است. جملات بالا را میتوان به شکل ذیل ارائه و تصحیح کرد:

"... **جدا** از مسایل سیاسی" و "بیائید **جدا** از مسائل قومی"

چنین طرز استعمال که از آخوندها و روحانیون جمهوری اسلامی ایران بیشتر شنیده میشود، احتمالاً پدیده ایست که با انقلاب اسلامی ایران وارد زبان ایرانیان گردیده باشد. یک وقتی که ضمن سفر های بی شمارم به ایران، زمینه

مذاکره با یک روحانی افغان مقیم ایران، میسر گشت، با تعجب ناخوش آیند دیدم، که برادر هزاره ما چنین "طرز استعمال" را با "تأکید آخوندی"، قلقله میکرد!!!!!!

۸ - در زبان فارسی ایران نه از "واو مجهول" خبری دیده میشود و نه از "یای مجهول":

در اصل "زبان فارسی" که همانا زبان "دری"ست، اما هم دو "یاء" (معروف و مجهول) داشتیم و هم دو "واو" (معروف و مجهول)، که خوشبختانه در دری وطن عزیز ما افغانستان، هر دو در کمال امانت و سلامت، حفظ گردیده اند. من درین زمینه خاص مقاله ای زیر عنوان "یای مجهول و واو مجهول" نوشته و در آن بحثی نسبتاً مفصل کرده ام، که علاقه مندان را به مطالعه آن در بخش هفتم این سلسله دعوت مینمایم. چهل پنجاه سال پیش در رسم الخط دری هر دو "یاء" از هم طوری متمایز میگردیدند، که در زیر "یای معروف" دو نقطه "پهلوی به پهلوی" گذاشته میشد و در زیر "یای مجهول" دو نقطه "زیر به زیر". اما وقتی سیل آثار مطبوع ایرانی در کشور ما سرازیر گردید، نشانه یای مجهول « دو نقطه زیر به زیر در زیر "یاء" » نیز از رونق افتاد، خصوصاً که ماشین های تایپی که در بازار پیدا میگردیدند، به یمن فارسی ایران، همه بدون علامه "یای مجهول" گردیدند و اینک که بازار تایپ کمپیوتری داغ است، به اثر تأثیرگذاری ایرانیان، حرف "یای مجهول" در "کی بورد" کمپیوتر ها نیز سراغ نمیگردند.

امید است که بر اثر بیداری وجدان های خوابیده ما افغانان ازین به بعد دکمه "یای مجهول" در تایپ کمپیوتری نصب شده و برای "واو مجهول" هم علامه فارقه ای وضع و با تکمه ای مشخص گردد. ما نباید اجازت بدهیم که همه چیز ما را دیگران تعیین بکنند. این یک مکلفیت و "فرض عین" همه ماست تا نحوه خاص دری افغانستان را نگه داریم و محفوظ و مصون از تهاجم بیگانگان!!!! من فرموده داکتر صاحب "محمد حیدر" را کاملاً تأیید می کنم، وقتی در آخرین مضمون خویش به جریده "امید" که در واقع وداعیه با آن هفته نامه نیز بود، نوشتند:

« همان گونه که در حفظ آثار باستانی خود می کوشیم، باید به همان پیمانانه و نه کمتر از آن، در حفظ سلامت شیوه خاص دری افغانستان نیز کوشا باشیم.» (۶)

خوشبختانه که در رسم الخط پشتو "یای مجهول" در رسته "یاء ها"ی دیگر زبان پشتو، دیده میشود و امید است که برای ارائه "واو مجهول" هم چاره ای سنجیده شود!!!!!!

توضیحات :

- ۱ - این مقاله بار اول حدوداً ده سال پیش در جریده "امید" نشر گردید و بنا بر ضرورت به تجدید چاپ آن پرداخته شد. صورت تجدید نظر شده با اضافات بسیار به تاریخ ۲۰ نومبر ۲۰۰۵ در پورتال "افغان جرمن آنلاین" نشر گردید. این مقاله بعداً در صفحه مؤرخ ۱۷ سپتمبر ۲۰۰۸ پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" افتخار نشر یافت و اکنون هم در آن صفحه و هم در آرشیف بنده زیر همین تاریخ قابل دریافت است.
- ۲ - صفحه ۳۹ "فارسی عمومی برای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی" به کوشش داکتر ابراهیم قیصری و داکتر محمد دهقانی، چاپ سوم، چاپ قرائن، ۱۳۸۰
- ۳ - صفحات ۳۴۴ و ۳۴۵ جلد سوم "تاریخ زبان فارسی" اثر داکتر خانلری، چاپ چهارم، نشر نو، تهران ۱۳۶۹
- ۴ - صفحات ۳۶۱ تا ۳۶۲ جلد اول "تاریخ زبان فارسی"
- ۵ - صفحه ۹۸ "فارسی عمومی برای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی"
- ۶ - این جمله مفهوم و محتوای سخن داکتر صاحب "محمد حیدر" را بالتمام افاده میکند، بدون این که فورمولبندی ایشان را داشته باشد.

تذکر:

در بعضی دیوان های حافظ، آن مصراع معروف بشکل ذیل آورده شده است:

کاین طفل یکشبه ره صد ساله می رود